کلام آغاز

هنر و امواج فرابنفش رادیکالیسم

پرویز براتی

رادیکالیسم غلیظ، مجال‌های برای نقد باقی نمی‌گذارد و این بلایی است که این روزها، گریبان هنر ایران را گرفته. روی سخن این نوشته، تمام کنشگران عرصه هرهنگی تجسمی است؛ از مدیران گرفته تا منتقدان. از هنرمندان تا گالری‌داران و انجمن‌ها. این روزها افتاری تا تهدید به افشاگری به رویای عام تبدیل شده و کشش میلیتاریستی در راس اقدامات برخی افراد قرار گرفته است. تبعات این مسئله، دامن همه اهالی تجسمی را خواهد گرفت. اما چرا از این خلق و خوی جنگ‌طلبانه آشفتگی دیگری هم را تهدید می‌کند. اگر از منظر گفتمان بخواهیم موضوع را بررسی کنیم، می‌بینیم در قبال موضوعات و اتفاقات، برخوردی سیوسی می‌کنیم و انفعالی تصمیم می‌گیریم؛ درحالی‌که تصمیم‌گیری‌ها در عرصه فرهنگ و هنر باید با درنظرگرفتن تمام جوانب امر صورت بگیرد و با منتقدان و خبرهای هنر ضمن اطلاع از این تصمیم‌ها هم فکری شود. در قضیه امادت‌سازی ۶۰ اثر از کنجینه موزه هنرهای معاصر برای نمایش در برلین و رُم، از چپاول گنجینه و تاراج آن و احتمال معاوضه این آثار را نمونه اصل صحبت شد. هرچند رئیس موزه اطمینان داد که خطری، گنجینه را تهدید نمی‌کند. او گفت با بنیاد بیلر سوئیس برای بسته‌بندی، مستندکاری، عکس‌برداری از کارها و ارسال و انتقال آنها قرارداد بسته. کارشناسان، با عکس‌برداری X ray و فرابنفش و... می‌توانند به اصل یا تقلبی‌بودن کار پی ببرند و این فرایند را به صورت علمی دنبال کنند. شایان ذکر است که این‌گونه مستندکاری برای اول بار انجام می‌شود. کارشناسان امر، در کار مستندکاری چند مرحله را دنبال می‌کنند که عبارت است از مطالعات آزمایشگاهی، مطالعات pigment و مواد معدنی، هر اثر قبل از خارج‌شدن از موزه، مستندکاری و اطلاعات آن به شکل تخصصی ثبت می‌شود. موقع برگشت آن اثر به موزه، اصالت آن به همین شیوه بررسی می‌شود تا از اصل‌بودن آن اطمینان حاصل شود. علاوه‌براین، کارشناسی هاکی‌اش هم انجام می‌شود. هزینه زیادی صرف این کار پرزحمت می‌شود و برای هر تابلو مبلغی بین ۱۰ تا ۱۵هزار دلار پیش‌بینی شده است. اینکه چه کسی دروغ می‌گوید چه کسی راست، اهمیتی ندارد به تعبیر اسپینوزا ملاک حقیقت، حقیقت است و ملاک دروغ نیز حقیقت است.

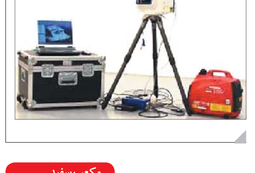

مکعب سفید

هنر محدودیت نمی‌شناسد

امیر مسعود انوشفر
معمار و کارشناس معماری موزه

حرکت جدید موزه هنرهای معاصر در نمایش گنجینه بازرش خود به دیگر موزه‌ها، حرکتی متفاوت و بازرش پس از ۴۰ سال، به منظور شناساندن این موزه به دنیا است. این نمایشگاه باعث اعتلای موقعیت ویژه هنر معاصر در جمهوری اسلامی ایران است. این رویه همه جا مرسوم است و در دوران اقامتم در فرانسه شاهد آن بودم. موزه ژرژ پمپیدو سال‌های سال است این کار را انجام می‌دهد و حداقل سالی یک بار با یک موزه دیگر به نمایش و تبادل آثار می‌پردازد.

آنچه ما روی دیوارها می‌بینیم بسیار متفاوت است با عکس‌هایی که روی صفحه کامپیوتر می‌بینیم؛ بنابراین تبادل آثار هنری بین موزه‌ها، فرصت مغتنمی است برای مردم کشورهای میزبان، تا بتوانند بی‌آنکه به کشور مبدا سفر کنند، این آثار را از نزدیک مشاهده کنند و کشورها با یکدیگر وارد تعاملات فرهنگی و اقتصادی سازنده بشوند. فراموش نکنیم هنر، زبان مشترک است که محدودیت نمی‌شناسد. آزادانه از مرزهای سیاسی و اجتماعی می‌گذرد و مردم دنیا از هر زبان و ملیت و نژاد و دینی که باشند، قادرند به وسیله آن با یکدیگر گفت‌وگو کنند.

برگسرای این نمایشگاه و خصوصا معرفی هنرمندان معاصر ایران، به همراه این گنجینه تاثیر بسزایی در معرفی و شناساندن هنرمندان جوان ایرانی در سطح بین‌المللی دارد که علاوه بر جنبه‌های فرهنگی، نقطه عطف گرایش سرمایه‌گذاران و شیفتگان هنر به خرید آثار هنری این هنرمندان و همچنین کام مثبتی است در جهت مخالف با وضعیت ملتهب و جنگ و خشونت در منطقه و نگاه‌ها را به سوی فضای فرهنگی - هنری و صلح و امنیت در ایران معطوف می‌کند و چه‌بسا همین امر موجبات تبدیل ایران به یکی از مراکز مهم هنر خاورمیانه را فراهم آورد.

باید در نظر گرفت با توجه به تبلیغات منفی موجود، این حرکت چقدر تأثیر مثبت در نشان‌دادن چهره هنری ایران در دنیا و اعتبار هرچه بیشتر ایران در دنیا دارد.

البته این حرکت‌ها ضوابط و علم مخصوص این حرفه را دارد که شرکت‌های بیمه از همه اکاعتر به این موضوع هستند؛ مستندسازی، اسکن و لیزر و... تکنیک‌های متداولی هستند که کارائتی سلامت، حمل‌ونقل و نگهداری را می‌دهد. این پروسه هم چه بخواهیم و چه نخواهیم از موزه میزبان تقاضا می‌شود و درحال‌حاضر با تجربیات موزه معاصر تهران کاری عادی است و جای نگرانی نیست. باید به ارزش نهایی و غایی و دستاوردهای این کار فکر کرد تا مشکلات تکنیکی و قابل حل که برای مدیریت موزه هنرهای معاصر تهران کار پیچیده‌ای نیست.

وزیر خارجه آلمان، «ظریف» را به برلین دعوت کرد

سیاست به وقت هنر

شرق: موزه هنرهای معاصر از بس سال‌ها سکوت و سکون، این‌روزها پرتکاپوتر شده. سروصداهایی برانگیخته و اخباری بر صدر گزارش‌های هنری دنیا نشسته. بازدید شخصیت‌های مهم هنری و سیاسی، نمایشگاه‌های بزرگ از هنرمندان نام و قراردادهای کلان با موزه‌های دنیا، باعث توجه و حساسیت بسیار نسبت به موزه هنرهای معاصر تهران شده. همین‌ها، پروژه ارسال آثار کنجینه به تور نمایشگاهی آلمان و ایتالیا را با حساسیت‌هایی همراه کرد. ازهمین‌رو «انجمن هنرمندان نقاش» دیروز بازگشت به‌موقع، صحیح و سالم آثار بازرش‌ترین مجموعه هنر قرن بیستم، بیانیه‌ای صادر کرد. مجید ملانوروزی و علی مارخانی (معاون هنری ارشاد) البته در نشستی با هنرمندان و اعضای انجمن نقاشان درباره شبهات عقد قرارداد این نمایشگاه توضیحاتی دادند و اعلام کردند هنگام بستن قرارداد هم مسئولان عالی‌رتبه دو کشور حضور داشته‌اند هم خبرنگاران. ملانوروزی هم دراین‌باره به شرق گفته بود: «این نمایشگاه و آثار همگی تحت پوشش بیمه‌اند و بیمه علاوه‌بر جبران خسارت‌های احتمالی متعهد به بازگشت آثار است. علاوه‌بر قراردادهای بین‌المللی و تعهد موزه، از دولت آلمان و ایتالیا نیز ضمانت بازگشت آثار تحت هر شرایطی حتی جابه‌جایی دولت‌ها، موانع سیاسی و... گرفته می‌شود و این پروژه در رهیافت‌وزیران و دولت‌های آلمان و ایتالیا مصوب شده است. این نه‌تنها یک پروژه هنری بین دو موزه کـ یک توافق و تعامل فرهنگی، سیاسی بین دو کشور است. از همان آغاز، وزرای امور خارجه ایران و آلمان و ایتالیا این پـروژه را حمایت کرده‌اند». او همچنین درباره ضمانت برگشت آثار و جلوگیری از هر خطر دیگر بـرای مجموعه افزوده بود: «ما به بنتواله بریزی و دفت کارشناسان دست به این کار زده‌ایم. تعـدادی از بهترین نیروهایمان در این نمایشگاه برگار نظـارت دارند. با مهمترین بیمه بین‌المللی معتبر (بیمه لویدز) که مسئولیت حفظ و نگهداری آثار را برعهده دارد، قرارداد بسته‌ایم.

حال طبق پیگیری‌های خبرنگار «شرق»، مشخص شد فرانک والتر اشتاین‌مایر، وزیر امور خارجه آلمان از محمدجواد ظریـف خبر داده تا در افتتاحیه این نمایشگاه در برلین حضور یابد. یک منبع «آگاه» درباره جزئیات این دعوت گفت: «آقای فرانک والتر اشـتاین مایر، وزیر خارجـه جمهوری فدرال آلمان، در نامه‌ای به محمدجواد ظریف از او خواسته تا روز ۱۳ آذر (برابر با سوم دسامبر) به همراه نمایندگان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی ایران، برای افتتاح نمایشگاه آثار کنجینه در بنیاد فرهنگی پروس حضور یابد». اما نکته مهم این نامه این است که وزیر خارجه آلمان ضمن دعوت از ظریف برای شرکت در افتتاحیه این نمایشگاه، تضمین‌هایی را هـم برای رفع برخی نگرانی‌ها داده اسـت. اشتاین مایر درباره حواشی این نمایشگاه هم اعلام کرد: «به من گزارش داده شده که در تهـران نگرانی‌هایی درباره امانت‌دادن چنین تعداد زیادی از آثار معروف، وجود دارد. با کمال میل از این فرصت بـرای ازمیان‌بردن نگرانی‌ها اسـتفاده می‌کنم. طبق قوانین آلمان برای امانت‌دادن اثر، شبیه به آنچـه درباره موزه هنرهـای معاصر تهران وجود دارد، برگه‌ای با عنوان ضمانت‌نامه بازیس‌دادن صادر می‌شـود که در آن تضمین می‌شـود که تمامی آثار باید به موزه هنرهای معاصر تهران بازیس‌داده شوند و تا هنـگام عودت آثار، نه شـکایت دادگاهی جهت تحویل و نه ضبط یـا توقیف یا اقدامات اجرائی مجاز نیستند. نهاد مسئول چنین ضمانت‌نامه‌ای، براساس قانـون حفاظت از آثـار فرهنگی، مصوخ ۳۱ جولای ۲۰۱۶ ایالت‌ها هسـتند. البته برای اینکه، چنین ضمانتی را به موزه هنرهای معاصر تهران ارسـال کرده است و من می‌توانم به این وسـیله به شما ضمانت دهم که این به طور کامل، درباره تمام قلمرو جمهوری فدرال آلمان صـدق می‌کند. موزه هنرهـای معاصر تهران و ایـران، از این طریق، کلیه ضمانت‌هـای لازم را در دسـت دارند. البته می‌خواهم یک بار دیگر تأکید کنم موزه‌های دولتی برلین از نظر امور آثار هنری، مسئول هستند؛ همان‌طور که مورد توافق دو کشور قرار گرفته است.

***

نامه دعوت و ضمانت وزیر خارجه آلمان می‌تواند گام مثبتی برای رفع برخی نگرانی‌ها در فرستادن آثار کنجینه موزه هنرهای معاصر به برلین باشد و البته به وظایف پایه‌های دیپلماسی فرهنگی را در سال آخر دولت حسن روحانی تقویت کند.

تجسمی

گفت‌وگو با محمد احصایی

این نمایشگاه، صله ارحام هنری است

رضا آشفته

تبـادل فرهنگی همواره بین کشـورها باعث ترقی و پیشرفت هنری شده. قرار است موزه هنرهای معاصر تهران در یک قرارداد بین‌المللی ۶۰ اثر معتبر شـامل ۳۰ اثر ایرانی و ۳۰ اثر خارجـی را که در کنجینه این موزه نگهداری می‌شود، به دو کشـور آلمان و ایتالیا بفرسـتد. این موضوع مهم، ما را بر آن داشـت تا با محمد احصایی دراین‌باره گفت‌وگویی کنیم. احصایی بیش از ۵۰ سـال است در حوزه خوشنویسی، نقاشی و گرافیـک فعالیـت می‌کند. او یکـی از پایه‌گذاران نقاشـخط در دوره معاصر ایران است و با مجموعه نقاشیخط‌های خود اعتباری جهانی یافته.

■ قرار اسـت ۳۰ اثـر ایرانی به همـراه ۳۰ اثر خارجی از گنجینه موزه هنرهای معاصر به آلمان و ایتالیا برده شود؛ چه نظری دراین‌باره دارید؟

تجربه به ما نشـان داده که وقتی قرار است درباره نقاشـی، بیینال و نمایشـگاه برگزار شود، مخصوصا از داورهایی که سرشناس هستند، دعوت به کار می‌شود. اینان هم خودشان هرکدام شاگردان بسیاری دارند که بیشتر هم دوست دارند همان شاگردانشان مطرح شوند به همیـن دلیل هم همواره عدهای داخلور می‌شـوند که این دلخوری حاصل وضعیت بیمارگونه‌ای اسـت که هر اسنادی شـاگرد خودش را مطرح می‌کند و این قضیه در فضای انجمن خیوشـنویس‌ها بیشـتر است. کمان نمی‌کنم کار درستی باشد.

■ می‌توان با این مسئله برخورد هم کرد؟

در اروپـا و آمریـکا می‌شـود؛ چـون داوری را به منتقدان و هنرشناسان می‌سپارند که آنها با یک هدف مشـخص دسـت به انتخاب آثار بهتر هنری می‌زنند بنابراین به دنبال مطرح‌کردن افراد خاصی نیسـتند. اما در ایران نمی‌شود؛ چون بهای کمتری به منتقدان و هنرشناسـان و استادان تاریخ هنر می‌دهند. در اروپا و آمریکا این افراد بسـیار شناخته‌شـده‌اند و در عمل نیز می‌توانند نظرات کارشناسانه‌تر بدهند و همچنین شـناخت و مطالعه لازم را بر هنرمندان و شیوه کار و آثارشـان دارند و می‌دانند قدمت هنرمندان و سبک و سیاق کارشان چگونه است و هنگامی که قرار است از سبک شناخته‌شده‌ای، کار انتخاب کنند. کار قدیمی‌تر و شـناخته‌تر را ترجیح می‌دهند به کسی که شاید در آن سبک بیشتر کار کرده باشد یا اینکه کارهای بهتری نیز داشـته باشد؛ برای مثال اگر قرار باشـد در ایران کاری انتخاب شـود حتما جوادی‌پور که بسـیار ایران اسـت و در آمریکا زندگی می‌کند و سـروصدایی هم ندارد از چشـم می‌افتد و شاید جوان‌ترها که شلوغ و موضع‌گیری نیز می‌کنند شاید در همان سبک و شیوه زودتر به چشم بیایند. درحالی‌که در تاریخ هنر بدعت بسیار مهم است با آنکه احتمالا کاری ضعیف‌تر باشد و برای مثال «دوشـیرکان آوینون» کار پیکاسـو شاید در زیبایی چیزی نداشـته باشـد اما درزمینه هنرهای معاصـر یک تحـول بنیادین اسـت و از نظر تاریخی بسیار ارزشـمندتر از گرونیکای پیکاسو باشد که شاید کرت‌لرین نقاشـی دنیا هم باشـد. اما در اینجا نتیجه صحیحی به دسـت نمی‌آید. نمی‌دانم اینها را چطور می‌تـوان حل کرد. الان باید انتخاب آثار ایرانی با نگاه عمیق‌تر و حسـاس‌تر باشد چون بین دو مملکت قرار است تبادل فرهنگی و هنری صورت گیرد و این رابطه باید معرف کارهای بومی ما باشد.

■ برایمان با مصداق‌ها مسئله انتخاب آثار ایرانی متناسـفانه در برخی از موارد نتوانسـته‌ایم اقتدارمان را مطمئن حفظ کنیم و برای همین آسـیب دیده‌ایم. این شـاید توهمی بیش نباشـد اما در ذهن ما هست چون این کارهـای مدرنی که ما داریـم و نمونه‌ها هم در دنیا کم اسـت امکان دارد کـه دیگر برنگردد یا بدلـش برگردد. البته این توهم اسـت اما به دلیل زخم‌خوردگـی ما چنین چیزی همراه ما هسـت؛ اما می‌تـوان این توهم را حل‌وفصل کـرد. وقتی قرارداد قرض و مخرب باشـد باید اعتماد کرد. من خودم به آلمانی‌ها در میان اروپایی بیشـتر اعتماد می‌کنم که اگـر قرار بود این آثار به ایران برگردانـده شـود، این توهم کوچک درعین‌حال حسث چون ما تجربه‌هایی کرده و زخم‌ها خوردیم.

■ نظرتان درباره اینکـه ۳۰ اثر ایرانی در کنار ۳۰ اثر خارجی انتخاب شده‌اند چیست؟

این حرکت بسـیار پسندیده اسـت که نصف آثار ایرانی و نصف خارجی اسـت. به نظرم اقدام خوبی اسـت که تسـاوی اعـداد در ذهـن و روان بیننده و شنونده تاثیر خوبی می‌گذارد.

■ یعنی موافق با این تحلیل نیستید که آثار ایرانی در سایه آثار خارجی باقی می‌مانند؟

نه. این تساوی هموزنی و هماهنگی ایجاد می‌کند که آثار ایرانی با آثار خارجی برابری می‌کند. به عبارت بهتر این حالت ۳۰ به ۳۰ و این تسـاوی آثار ایرانی و خارجی درواقع یک عدد طلایی است. اگر کارشناسی این آثار براسـاس اصالـت و درواقـع بداهت اولیه از ارزش هنری و کاری و شـناخت بین‌المللی باشـد، آن‌گاه توجه به آثار هم اتفاق خواهد افتاد. این قضیه بسـیار ظریف اسـت و اگر در سـبک دو، سه نفر مطرح هستند، باید بهترینش گزینش شود.

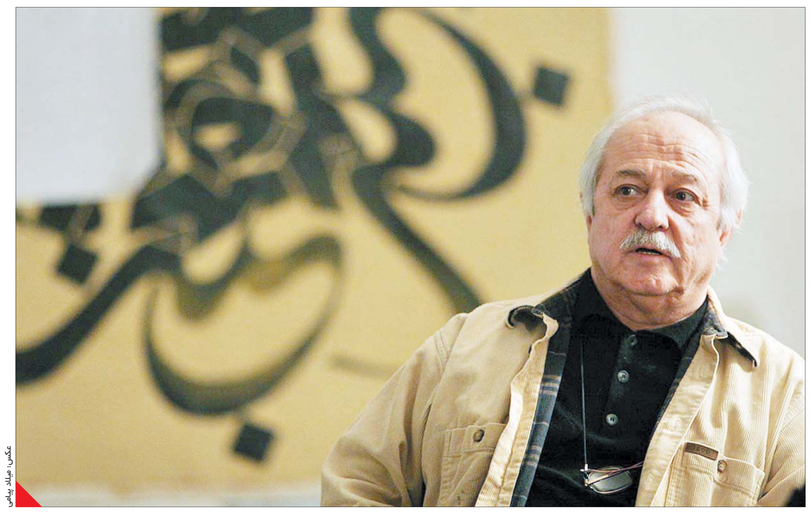

عکس: هادی پیلهی

■ با رأی می‌کنید که چگونه باید باشد؟

فکـر می‌کنم این انتخاب باید بیشـتر بـا کارهای شناخته‌شـده‌تر باشـد. ما در موزه‌های دنیا کار داریم مثـلا آقای وزیری چند تا اثـر لولایی دارد و او ۵۰، ۶۰ سـال اسـت که در ایتالیا زندگی می‌کنـد. یا از مارکو کریگوریان حتما باید کاری باشـد چـون او به لحاظ شـکل و اجرا و هم به لحاظ فلسـفی آثار خوبی در سـبک خود دارد. شـاید دیگرانی هم در این سبک کار کرده باشـند اما قدمت مارکو بیشتر اسـت. علاوه‌تر هم این است که از هر سبک یک نفر انتخاب شود که بتوند نفرات بیشتری را از سـبک‌های مختلف انتخاب کند نه اینکه چهار، پنج نفر شبیه به هم انتخاب کنند و در مجمـوع نفرات کمتری از سـبک‌های مختلف انتخاب شده باشند.

■ بنابراین شـما در کل بـا این تبـادل موافق هستید؟

بله. نفـس تبادل فرهنگی و هنری بین کشـورها بسـیار خوب اسـت. به‌خصوص برای کشـور ما که درزمینه آثار مدرن و بعضی آثار معاصر بسـیار غنی هسـتیم که اینهـا شناخته‌شـده هسـتند. همچنین کشـورهایی که در حـال رخ‌دادن‌کـردن چنین آثاری هستند موزه‌هایشان از این آثار شلوغ است و این قضیه با آنکه حالت توریستی دارد همچنین می‌تواند مـورد توجه ما قرار بگیرد چـون که ما نیز آثار خوبی دراین‌زمینه داریم.

■ برخی نگران هسـتند که این آثـار با برنگردد یا اگر هم برگردد شـکل بدش باشد؛ چگونه این قضیه را ارزیابی می‌کنید؟

بـه نیکی نگرانـی کنید و مـا ایرانی‌ها بایـد محتاط عمـل کنیم چون ما زخـم خورده‌ایم و متاسفانه در برخی از موارد نتوانسـته‌ایم اقتدارمان حفظ کنیم و برای همین آسـیب دیده‌ایم.

■ چرا اصالت هنری در انتخاب اشـخاص مهم خواهد بود؟

در آنجا یک کاتالوگ از سـوی کارشناسـان هنری نوشـته و منتشر خواهد شـد. درباره تک‌تک این آثار و هنرمندانشـان خواهند نوشت و هرچه این اصالت هنری بیشـتر مدنظر باشـد و هنرمنـدان از قدمت و سابقه بهتری برخوردار باشند. این کمک می‌کند که مخاطب بیشـتر در جریان آثار ایرانی قرار بگیرد. نباید به دنبـال کارهای زرق‌وبرق‌دار یا قیمت و فروش آثار باشیم؛ باید ببینیم این آثار چقدر در تاریخ هنر معاصر ما از تاثیرگذاری بیشـتری برخـوردار بوده‌اند و چقدر تاریـخ هنر ما را متحول کرده‌اند. در کنار این کاتالوگ، جلسـات بحث و نظر هم برگزار می‌شود که این خود مکمل ارائـه تحلیل بهتر درباره آثار هنری ماسـت. بنابراین توصیه می‌کنم افرادی که بی‌غرض هسـتند، برای انتخاب آثار در نظر گرفته شـوند. اگر دو نفر را همزمان نزد پزشـکی برای درمان ببرند، پزشک حتما اولویت را به کسی خواهد داد که در وضعیت پیچیده‌تر و درناک‌تری است. در هر حال دغدغه من این است که کارهایـی از ایران انتخاب شـود که با وسـواس بیشتری گزینش شوند و چندان تبابد به دنبال شهرت و اسم‌بازی و صمیمیت با افراد باشیم بلکه گزینشگر باید چشمهایش را ببندد و آنها را ترازو و میزان کند.

■ درباره انتخاب آثار خارجی چه باید کرد؟

دو کار می‌توانیم بکنیم؛ اول اینکه آثاری را انتخاب کنیم کـه در موزه‌های اروپایی کمتر دیده شـده‌اند یا حتما جـه آثار آن هنرمند را ندارند. مثلا در موزه اتریش از یـک هنرمنـد فقط یک کار کوچـک دارند، ما باید با ملاحظاتی یک چهم‌بندی داشته باشیم و اگر آثار این هنرمند را داریـم، بتوانیم در آنجـا ارائه کنیم. چون می‌خواهیم نشـان دهیم ما کلکسیون بهتری داریم. دوم اینکه، کارهای خیلی خوبی در موزه‌های مختلف داریـم اما به بهترین اثر آن هنرمنـد را داریم؛ باید در نیـت ثروت و گنجینه‌ها نشـان دهیم که ما بهترین آثار را داریم. مثلا باید جکسـون پـولاک را حتما ببریم، با آنکه در همه موزه‌های هنـر معاصر آثارش را دارند و ایـن دارندگی ما نیز با آنها برابری می‌کند. اگر ورمیر داریم باید آن را ببریم؛ چون این هنرمند به کلکسـیون ما اعتبار می‌دهد.

■ برای اینکه به یک جمع‌بندی برسیم، چه نظری دارید؟

در کل باید ایـن را لحـاظ کرد کـه مخاطبان به نمایشـگاه می‌آیند و کشـتی می‌زنند و باید نسبت به کارهای دیوار حالت شـگفتی پیدا کنند. باید به لحاظ اهمیت، این نمایشـگاه این شـگفتی را ایجاد کند. در ایران چندنفری هستند که از قدمت و اصالت برخوردارند؛ حتما باید آثار آنان در نمایشـگاه باشـد؛ آثار فرمانفرما، یکتایی، مرحوم سپهری، تناولی، وزیری مقـدم، زنده‌رودی که هم شناخته‌شـده‌اند و هم آثار اورجینال ایرانی هسـتند. مهم این اسـت که هر کسی که در موزه می‌گردد، بداند این آثار مربوط به سرزمین ایران اسـت. اگر نمونه‌اش جای دیگر هسـت، تکرار اینهاسـت و اصلش در ایران اسـت. ما باید تخمیخ طلایی را به تماشا بگذاریم.

■ حسـاسیت شـما روی آثار ایرانی خیلی زیاد اسـت؟

هـر کدام از این آثار سـفیر هنری هسـتند و خود بـه خـود وقتـی قرار اسـت نمایشـگاه در سـطح ریاسـت‌جمهوری و وزیـر امور خارجه برگزار شـود، اهمیت فرهنگی کار بسـیار بالاسـت و بر سیاسـت خارجی ما بسیار تاثیرگذار است.

■ در ایـن تبادل فرهنگی چـه نصیب هنر ایران می‌شود؟

صله ارحام هنری اسـت و در دین ما خیلی به آن توصیه شـده اسـت و انسـان‌ها باید همواره ارتباطاتی داشـته باشند و این روابط در سـطح بالای فرهنگی، تمدنی و انسـانی بسـیار زیاسـت. معلوم است که خیلی بهتر اسـت و برای همین وقتی مردمان جهان به نمایشـگاهی می‌روند که در آنجـا آثاری از مصر و بین‌النهرین است یا احترام خاصی آنها را تمامـا می‌کنند. ایـن رابطه احترام‌آمیز به لحـاظ روانی در ذهن آدم‌ها باقی می‌ماند. وقتی شـهروندان آلمانی می‌آیند و این آثـار را می‌بینند، حتما خاطره نام ایران و بکومه‌های ناشـی از این نمایشگاه تاثیر خوبی بر روانشان خواهد گذاشت.

■ شـاید هم به تبلیغات غلطی که درباره ما شده است، آگاه خواهند شد؟

نه، این مراوده بیشتر از هر چیزی ماندگار است؛ چنانچه من ۵۰ سال پیش یادم می‌آید که در ایالت کارولینـای شـمالی آمریکا ما را بـه دیدن درختی بردند که قدمت ۲۰۰ ساله داشت که در کنارش هم رسـتوران و تفریحگاهی برای بچه‌ها احداث کرده بودند. آن درخت هنوز هم در ذهن من باقی است. اینکه می‌گوییم تبلیغات، آنها هم می‌دانند تبلیغات اسـت و اترش بادوام نیسـت. آنها در نمایشگاه با آثار باهویت و شاسنامه‌دار برخورد می‌کنند و این همان تاثیر مطلوبی اسـت که تصویری راسـتین از فرهنـگ و هویت ماسـت و آن تبلیغات یک تصور بسـیار غلط اسـت که هیچ‌گاه هم تاثیرگذار نبوده است. چون در وجدان انسان‌هایی‌شـان می‌دانند که انسـان ایرانی دقیقا چگونه باید باشد و اگر آدمی از وجدان انسانی متوسط به لحاظ فرهنگی برخوردار باشـد، خود را اسـیر تبلیغات و شـلوغ‌بازی‌های سیاسی نخواهد کرد.

■ صحبتی برای حسن ختام دارید؟

واضح و روشـن اسـت که در وضعیت و زمان حاضر هم‌چیـز حکم را بر این می‌کنـد کـه ارتباطات جهانـی با هم زیاد و تعامل هم باید زیادتر شـود؛ تا آنجا که ممکن اسـت باید از انزواطلبی و خودبسـندی بیرون آمد و اینکه فقط باید به پدرانمان افتخار کنیم، چندان درسـت نیسـت و در قرآن نیز نهی شده اسـت. ما امروزه دریافته‌ایم که تعامل در پیشـرفت‌ها بسیار مؤثر اسـت و نه انزواطلبی و بدگویی و خودبسندی. روزی جمال عبدالناصر برای ۳ از جنگ‌های ۶۷روزه به پاریس و دیدار ژنـرال دوگل رفت و ماجرا را برایش تعریـف کرد. دوگل گفت شـما حق داریـد و غیر از حق جیز دیگری نداریـد. حق دارد اما ابزار مقاومت و جنگ را ندارد. باید اول وسـایل را فراهم کرد. بعد برای اثبات حق باید شـروع کـرد به حق‌طلبی. حق گرفتنی اسـت اما باید ابزار گفتن حق هم مهیا باشد. ما با دید و بیاد که حق گرفته نمی‌شـود. پیشـرفت در تعامل اسـت و نـه انزوا و تک‌طلبـی. هر جا که متحدانی مشترک‌المنافع هستند، حتما موفقیتی هم هسـت. چون در زمان تعامل با همدیگر و معاشرت و دوسـتی موفقیت هم خواهد بود. در زمان قهر و دعوا که چیزی حاصل نخواهد شـد. چک چیزی به ما نمی‌دهد و همواره مصیبت بوده اسـت. بنابراین جلـو جنـگ نارضایتـی و ویرانی چیز دیگـری نیاز اسـت. اما با سیاسـت و گفت‌وگـو و رفت‌وآمـد موفقیت زیادی داشـته اسـت. روزی بیـن آمریکایی‌ها و ژاپنی‌ها بحثی در گرفت؛ ژاپنی‌ها گفتند بحث نکنید برویم روی میـز رئیس‌جمهورتـان را ببینـد، تلفنش باتانوسیک است!

گفت‌وگو با پرویز تناولی

حیف است گنجینه سرزمین ما حبس بماند

بهناز شیرانی: ارسال گنجینه موزه هنرهای معاصر بـه برلین و رم بهانـه گفت‌وگو با پرویـز تناولی، هنرمند صاحب‌نام ایرانی شـد. اتفاقی که از زمان مطرح‌شـدن تا به امروز مخالفان و موافقان خود را داشـته و درباره چونگی انتقال آثار و خطرات آن حرف و حدیث بسـیار اسـت. از سوی دیگر موافقان معتقدند مبادلات فرهنگی اتفاقی است که سال‌هاست به دست فراموشی سپرده شده. به این واسطه می‌توان خلا سالیان گذشته را جبران کرد.

اقدام اخیر موزه هنر معاصر در به‌نمایش‌گذاشتن بخشـی از مجموعه ارزشـمند خود در موزه‌های معتبر اروپا سـتودنی است. بهره‌مندکردن جهانیان از دیدار آثاری که سالیانی دراز در خفا بود، پیامی است از صلح و دوستی کشورمان. امر مثبت دیگر این اقدام، ارسـال متسـاوی آثاری از هنرمندان معاصر کشورمان است که به موازات آثار غربی در معرض دید همگان قرار خواهد گرفت و اعتبار بیشـتری را به ارمغان خواهد آورد. درباره نگرانی هنرمندان و هنردوسـتان. بجاسـت اولیای موزه هنر معاصر به تشریح قرارداد قرض و محکمی که برای حفظ و نگهداری آثار و بازگشت آنها به وطن بسـته‌اند، بپردازند و این نگرانی‌ها را زائل کنند؛ هرچند مبادلات آثار برلین‌بها بین موزه‌ها امری رایج است و تاکنون نشـانه‌ای از خدعه و خیانت دیده نشـده است. در ادامه صحبت‌های پرویز تناولی را دراین‌باره می‌خوانید.

■ ارسـال گنجینه موزه هنرهـای معاصر به کشورهای دیگر اتفاقی اسـت که در روزهای اخیر بحث و نظرهای متفاوتی میان هنرمندان داشته است. نظر شما درباره اینکه مردم دیگر کشورها این آثار را ببینند، چیست؟

نمایش این آثار در دیگر کشورها مثل نمایشگاه برلین اتفاقی خوبی اسـت و بهشـت با آن موافقم.

■ فکـر می‌کنید تا چه حد نگرانی برخی بابت بازنگشتن این آثار درست اسـت؟

به نظـرم تمام محکـم کاری‌ها انجام شـده اسـت. به‌هرحال قواعـد نقل و انتقـال گنجینه آثار هنری اتفاقی اسـت که در تمام دنیا مرسـوم اسـت و از هر لحاظ می‌توان پیش‌بینی‌های لازم را برای این اتفاق داشـت. از طرف دیگر آلمانی‌ها هم زحمت بسیاری برای این نمایشگاه کشـیده‌اند. بررسـی تمام جوانب این کار نشان می‌دهد اتفاق خوب و درسـتی در حال انجام اسـت و باید از آن استقبال کرد.

■ در بخشی از صحبت‌هایتان به این موضوع اشاره کردید که چنین مراوده‌های فرهنگی در تمام دنیا رایج و مرسوم است. اما خب سال‌ها ایران از این مراودات دور بوده و شاید در بدو امر همین موضوع کمی ایجاد نگرانی می‌کند...

بلـه. نقل‌وانتقال آثار هنـری و نمایش آن در کشـورهای مختلف امری مرسـوم است. موزه‌ها از هـم کار قـرض می‌گیرند و نمایـش می‌دهند. شایعاتی که اخیـرا از برخی افـراد در ارتباط با کمی‌کردن آثـار و نگرانی بابت این مورد شـنیده کمـی برایم عجیب اسـت و برای مـن پذیرفتنی نیسـت. اگر کمی به این موارد آشنا باشیم، می‌توان موجبه شـد دسـت به این کارها زده نمی‌شود و همان‌طور که آثار را قرض می‌گیرند همان‌طور نیز پسـن خواهند داد. به عقیده مـن چنین مراوداتی به‌شـدت در روابط اجتماعی و سیاسـی کشورها تاثیرگذار اسـت. حیف است گنجینه پربار سرزمین ما حبس بماند و تمام مـردم دنیا از دیدن چنین گنجینه با ارزشی محروم بمانند.

■ پس فکر می‌کنید بسـیاری از کشـورها با فرهنگ ما به معنی واقعی آشنایی ندارند؟

بله، اگر صریح صحبت کنم، باید به این موضوع اشاره کنم که بسـیاری از مردمان دیگر کشورها و غربی‌ها با تاریخ معاصر ایران آشـنایی ندارند. هنوز هم وقتی به فرهنگ ایران اشـاره می‌کنند، حافظ، سعدی و فردوسی برای آنها پررنگ است. درحالی‌که هنر معاصر ما در تمام زمینه‌ها رشـد درخور توجهی داشته اسـت و پیشرفت‌های خوبی حاصل شده اسـت و تحسین‌برانگیز است. غربی‌ها برای هنر ما ایرانی‌ها احترام بسیاری قائل هستند و بهتر اسـت که ما هم هنر معاصرمان را به دیگر کشورها عرضه و دیگران را با هنر ایران آشنا کنیم.

گزارش بازدید از گنجینه موزه

گنجینه‌ای که کم از چاه‌های نفت ندارد

آثاری از برترین هنرمندان معاصر دنیا و ایران در دوران امپرسیونیسم تا دهه ۷۰ میلادی، در گنجینه موزه هنرهای معاصر نگهداری می‌شـود که تهویه نامناسـبی دارند. ۵۰ درصد این آثار روی رول جاکاری شده‌اند و ۵۰ درصد به دلیل کمبود جا، روی زمین هسـتند. گنجینه موزه هنرهای معاصر را شـاید بتـوان یکی از برترین گنجینه‌های هنر دنیـا نامید که درحال‌حاضر بـه‌هزاره ۱۶۶ اثر را در خود جای داده است. بیش از ۵۰ درصـد این آثار، روی رول قرار گرفته‌اند و مابقی روی زمین نگه داشـته می‌شـوند. در این گنجینه، آثار دوره مدرنیسم، آثاری از بزرگان هنر دنیا از پابلو پیکاسو، رنه ماگریت، ادوارد ویا گاسط مونه، فرانسیس بیکن، جرج براک، اندی واروهل، جکسون پولاک، فرانسیس کلاین و... تا هنرمندان ایرانی از بهمن محصص، منیـر فرمانفرمائیان، ایـران درودی، پیروز کلانتری و فرشـچیان وجود دارد که بخشی از این آثار امکان نمایش دارند و برخی را هم نمی‌توان نمایش داد. اغلب آثار در شرایطی نگهداری می‌شوند که مناسـب با استانداردهای ۴۰ سال پیش اسـت. سیستم تهویه این مکان بسیار ارزشمند، نزامند تهویه‌ای به‌روز است؛ چراکه در درازمدت ممکن است به این گنجینه ارزشمند هنری آسیب برسد.

امیر راد، مسـئول نیو مدیای موزه هنرهای معاصـر، درباره گنجینه آثار موزه هنرهـای معاصر توضیح داد: در این گنجینه آثاری از اواسـط قرن ۱۹ میلادی تا اواخـر دهه ۷۰ میلادی وجود دارد؛ یعنی آثار گنجینه موزه هنرهـای معاصر همه دوره مدرنیسـم را در برمی‌گیرد. این آثار از امپرسیونیسم آغاز می‌شـود و به پاپ آرت می‌رسد. آثار گنجینه براساس سـبک‌ها روی رول قرار نگرفته‌اند؛ بل